

بررسی رابطه بین کنترل‌کننده‌های رسمی و نگرش افراد به جرم (مورد مطالعه: شهر کرمانشاه)

علی مرادی^۱، داریوش غفاری^۲

چکیده:

این پژوهش به بررسی ارزیابی سرعت و رشد جرم و تأثیر بازدارنده‌های رسمی بر روی آن از نظر مردم شهر کرمانشاه پرداخته است. در این راستا به نقش پلیس به عنوان بازدارنده (رسمی) توجه شده است. روش پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ی توأم با مصاحبه است. جامعه‌ی آماری مورد مطالعه کلیه‌ی شهروندان ۱۸ سال به بالا در شهر کرمانشاه هستند که ۳۰۰ نفر از آنها به شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی ساده برای مطالعه انتخاب شدند. هم‌چنین از دیدگاه نظری گیدنز به عنوان چارچوب نظری استفاده گردید. نتایج نشان می‌دهد میزان وقوع سرقت وسیله‌ی نقلیه‌ی شخصی از میان جرائم اجتماعی از همه بیشتر است. رابطه‌ی نامشروع، نزاع دسته‌جمعی، کتک خوردن از افراد ناشناس، قاچاق و تصادف از جمله جرائمی است که در رتبه‌های بعدی قرار دارند. ضریب همبستگی برای سه متغیر میزان ناهنجاری، میزان نظارت اجتماعی و میزان حضور پلیس معنادار است. رابطه بین متغیرهای مذکور برای میزان حضور پلیس ($r = -0/44$)، میزان نظارت اجتماعی ($r = -0/512$) و میزان ناهنجاری ($r = 0/485$) است. نتایج رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد که میزان نظارت اجتماعی و ناهنجاری اجتماعی و گشت زنی پلیس وارد معادله‌ی رگرسیونی شده و توانستند ۵۰ درصد از

۱- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلام آباد غرب، (نویسنده مسؤول)

A_moradi88@iau-ea.ac.ir

Darghafari@yahoo.com

۲- دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه رازی

تاریخ پذیرش: ۹۶/۳/۲۲

تاریخ وصول: ۹۵/۱۲/۱۱

تغییرات درونی متغیر وابسته را تبیین نمایند. یافته‌ها نشان می‌دهد که گشت‌زنی پلیس و نظارت اجتماعی میزان جرم را کاهش و افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی منجر به افزایش جرائم اجتماعی می‌شود.

کلمات کلیدی: پلیس، نظارت پلیس، جرم، بزهکاری، امنیت.

مقدمه

روند توسعه‌ی شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه هم‌زمان و با سازوکارهای یکسان توسعه‌ی صنعتی صورت نگرفته است. پدیده‌ی شهرنشینی در کشورهای مختلف آسیا و آفریقا به فرایندی از عدم انسجام مداوم و مکرر منتهی شده است. نوسازی با شیوه‌های زندگی سنتی در کلان‌شهرهای کشورهای در حال توسعه تعارض دارد؛ از طرفی توسعه‌ی صنعتی کلان‌شهرهای کشورهای در حال توسعه عمدتاً بر پایه‌ی صنایع مونتاژ شکل گرفته و موجب تغییر سریع و بی‌وفقه‌ی کلان‌شهرهای کشورهای در حال توسعه شده است. تغییر سریع کلان‌شهرها را به مراکز تحول فرهنگ مدرن مبدل ساخته و سرعت صنعتی شدن به حدی است که توسعه‌ی فرهنگی نمی‌تواند با آن هماهنگ شود، در نتیجه شکاف عمیقی بین صنعتی شدن و توسعه‌ی فرهنگی اتفاق می‌افتد و در نتیجه شهرنشینی برای ساکنان نهادینه نشود که پیامد آن انحرافات و آسیب‌های اجتماعی است که می‌توان مظهر آن را در بروز جرم مشاهده نمود. بر اساس ماده‌ی ۲ قانون مجازات اسلامی کشور، هر فعلی یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود. درباره‌ی شاخصه‌های جرم به طور کلی قرن‌هاست اعمالی مانند قتل، دزدی، نزاع، تخریب، کلاهبرداری، تجاوز، غارت، وحشی‌گری، قاچاق مواد مخدر، آتش‌افروزی و... به عنوان رفتار مجرمانه پذیرفته شده است و تقریباً همه‌ی جوامع برای آن تعریف مشخصی دارند؛ تنها تفاوت مشهود در میزان و نوع تنبیهی است که بر اساس قوانین حقوقی آن جامعه تعیین می‌شود. علاوه بر رفتارهای ذکر شده، رفتارهای دیگری هم هستند که بر اساس ارزش‌ها و تغییر در ارزش‌ها یا بر حسب زمان و مکان جرم محسوب می‌شوند و در جرم‌شناسی، مورد توجه قرار می‌گیرند که البته ماهیت این جرائم

با جرمی که در بالا ذکر شد متفاوت است. اکنون نسبت به گذشته بیم و خطر ناشی از جرم و جنایت و قربانی شدن به دست مجرمان بسیار بیشتر از گذشته است. ساکنان مناطق درون‌شهری دلایل بیشتری برای نگرانی و ترس از جرائم دارند تا کسانی که در مناطق دیگر زندگی می‌کنند (گیدنز، ۱۳۸۳: ۳۲۱).

یکی از نیازهای اساسی شهروندان، احساس امنیت و رضایت خاطر است. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در صورت بالا بودن جرم، ساکنان در یک محله رضایت کمتری دریافت می‌کنند (دیویس و فاین دیویس^۱، ۱۹۸۱؛ آدامز^۲، ۱۹۹۲). ناهنجاری و جرم باعث کم‌رنگ شدن پیوندهای اجتماعی (هیپ^۳، ۲۰۱۰: ۱۴۸) و نقل و انتقالات اجتماعی در قالب مهاجرت به نواحی دیگر می‌شود. از طرفی نظارت اجتماعی، گشت‌زنی پلیسی و اجرایی شدن قانون می‌تواند به کاهش رشد جمعیت، امنیت بیشتر، کیفیت زندگی بهتر و سالم‌تر، انسجام اجتماعی در حوزه‌ی رعایت تندرستی و سلامتی منجر شود.

مروری بر آمار در حوزه‌ی جرم و آسیب‌های اجتماعی نشان می‌دهد که روند آسیب‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی در حال افزایش بوده‌اند و فقط در برخی جرائم از سال‌های ۱۳۸۱ الی ۱۳۸۴ تنزل مشاهده می‌گردد که مجدداً از سال ۱۳۸۵ روند رو به رشد به خود گرفته است. نابسامانی‌هایی مانند میزان سرقت، میزان قتل، بیکاری رو به رشد، افزایش سن ازدواج، مسأله‌ی اعتیاد، اختلاس، ارتشا و جعل، صدور چک بی‌محل و ده‌ها موضوع دیگر افزایش یافته است. فعالیت‌های انجام گرفته در سطح آسیب‌های اجتماعی با توجه به بسترهای شکل‌گیری آسیب‌ها مشخص می‌کند که هر چند نقش نیروی انتظامی در مواجهه با این قبیل مسائل نقشی مستقیم نیست ولی این پدیده‌ها نیروی انتظامی را نیز به نحوی درگیر می‌کند چرا که رشد آسیب‌ها باعث گسترش بسترها و زمینه‌های جرم می‌گردد. در مجموع می‌توان نقش و جایگاه نیروی انتظامی را در پیشگیری از آسیب‌های

1- Davis and Fine-Davis
2- Adams
3- Hipp

اجتماعی به عنوان سامان‌دهنده در راستای کمک به فرایند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری قلمداد کرد. در این پژوهش حضور پلیس به عنوان نوعی عامل بازدارنده‌ی رسمی برای جرم در نظر گرفته شده است. به طور کلی هدف اساسی این پژوهش نقش بازدارنده‌های رسمی (حضور پلیس) در نگرش افراد به جرم از نظر شهروندان کرمانشاه است. در این راستا، اهداف جزئی‌تر این پژوهش عبارتند از:

- ۱- بررسی میزان و شدت وجود بازدارنده‌های رسمی در شهر کرمانشاه
- ۲- بررسی نقش بازدارنده‌های رسمی در نگرش افراد به جرم
- ۳- تعیین اثرات سن، درآمد، هویت طبقاتی و وضعیت شغلی بر نگرش افراد به جرم

پیشینه‌ی پژوهش

سراج زاده و گیلانی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان بی‌سازمانی اجتماعی و ترس از جرم در دو منطقه: منطقه‌ی سه (به عنوان منطقه‌ی کم‌آشوب) و منطقه‌ی ۱۲ (به عنوان منطقه‌ی پرآشوب) از ساکنان مناطق ۳ و ۱۲ شهر تهران، مورد بررسی قرار دادند. آنها نتیجه گرفتند که احساس بی‌نظمی، تنوع خرده‌فرهنگی و نگرانی اجتماعی در بین منطقه‌ی ۳ کمتر از منطقه ۱۲ است (سراج زاده و گیلانی، ۱۳۸۹: ۲۲۷).

ملکمیان و شریفیان (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان عوامل اجتماعی مؤثر بر جرم زنان زندانی استان گلستان، نشان دادند که جرایم زنان بیشتر شامل اعتیاد، روسپیگری، سرقت و قتل بوده که این جرایم در فقر اقتصادی، بیکاری، فقدان والدین، والدین معتاد، سطح تحصیلات، سن پایین ازدواج، محیط نامناسب زندگی، خانواده‌ی نابسامان و تا حدودی پایین بودن میزان تعلقات اجتماعی ریشه دارد (ملکمیان و شریفیان، ۱۳۸۸: ۱۶۵).

جبه دار و همکاران (۱۳۸۷) مطالعه‌ای با عنوان تأثیر دفتر نظارت همگانی تهران بزرگ در اعتمادسازی بین پلیس و مردم انجام دادند. محققان به این نتیجه رسیدند که هر اندازه ضریب اعتماد به پلیس بیشتر باشد، نقش نظارت در پاسخگویی مردم می‌تواند در افزایش ضریب اجتماعی به پلیس مؤثر باشد.

یامامورا^۱ (۲۰۰۹) مقاله‌ای با عنوان "نقش بازدارنده‌های رسمی (حضور پلیس) و غیررسمی (سرمایه‌ی اجتماعی) در کاهش جرم در ژاپن" انجام دادند. نتایج نشان داد که پلیس و سرمایه‌ی اجتماعی میزان جرم را کاهش می‌دهد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تأثیرات سرمایه‌ی اجتماعی از تأثیرات پلیس کمتر است اما در راستای رابطه بین این دو مورد قرار می‌گیرد.

لاک وود و همکاران^۲ (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای با عنوان رابطه بین فاصله‌ی اجتماعی و فرسایشی درمان نوجوانان بزهکار در شهر فیلادلفیا، بر روی ۵۵۱۷ نفر به بررسی بسترها و بافت‌های اجتماعی و تأثیر آن در بزهکاری نوجوانان پرداختند. نتایج حاصل نشان می‌دهد که فاصله‌ی اجتماعی مبتنی بر برداشت از قومیت به بزهکاری نوجوانان منجر می‌شود.

هیپ (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای با عنوان ساختار خرد و محله‌ی خرد: به اندازه‌گیری نو فاصله‌ی اجتماعی و اثرات آن بر ادراک شخصی و جرم و اختلال اجتماعی که در کالیفرنیا پرداختند. و به این نتیجه رسیدند که بیشتر ساکنانی که فاصله‌ی اجتماعی بین آن‌ها با هم بیشتر است، میزان ناهنجاری و اختلالات اجتماعی در میانشان بالاتر است (هیپ، ۲۰۱۰: ۱۴۸-۱۵۲).

مطالعات پیشین نشان می‌دهد که عوامل متعددی در سبب‌شناسی جرم و ناهنجاری‌های اجتماعی مؤثر است که در تعامل با یکدیگر به ناهنجاری و انحرافات منجر می‌شوند. در میان عوامل ذکر شده نقش عوامل اقتصادی و نابسامانی خانوادگی از همه پررنگ‌تر به نظر می‌رسد. همچنین به عوامل دیگر همچون هم‌نشینی با کجروان، افزایش نرخ شهرنشینی، تحصیلات پایین و نژاد اشاره شده است در اکثر این مطالعات از فقر به عنوان دروازه‌ی ورود به جرم یاد شده است. در این مطالعات علل جرم در دو سطح فردی و ساختار تبیین شده است.

1- Yamamura

2- Lockwood et al

ادبیات نظری پژوهش

الف- دیدگاه‌های مرتبط با جرم و بزهکاری اجتماعی

نظریه‌ی معرفت‌های محلی: نظریه‌ی معرفت‌های محلی^۱ که امروزه اکثر سازمان‌های غیردولتی از آن دفاع می‌نمایند به دنبال جلب مشارکت واقعی مردم در زندگی اجتماعی آنان است. تحت این مشارکت، عدم تمرکزگرایی در جامعه برای تسهیل فرایند تصمیم‌گیری از پایین به بالا تقویت می‌گردد (فولر^۲، ۱۹۹۲). استفاده از معرفت‌های محلی، تمرکز بر واقعیت‌های اجتماعی، دنبال کردن فرایند حرفه‌ای شدن و اصالت به ارزش‌های انسانی، ماهیت روابط سازمان‌های غیردولتی با مردم را تشکیل می‌دهد (چمبرز^۳، ۱۹۸۳). در رهیافت حل مسأله، نیروی پلیس با یک تقسیم کار کمتر پیچیده‌ای مواجه است و قوانین و سطوح اقتدار کمتری نیز دارد و از نوعی خلاقیت استفاده می‌کند (احمدی، ۱۳۷۷). در این رهیافت پلیس با تلاش در زمینه‌ی حل مسائل ناشی از وقوع حوادث، در جستجوی کمک به مردم به منظور تأمین نظم، آرامش و امنیت است. پلیس در شیوه‌ی حل مسأله، در جستجوی الگوهایی برای شناخت ناامنی‌ها و به دست آوردن راه‌حل‌هایی برای آنها توسط خود مردم است. این شیوه، همکاری و همبستگی مردم را با پلیس گسترش می‌دهد.

نظریه‌ی بوم‌شناختی گاربارینو و بلسکی: گاربارینو^۴ (۱۹۷۷) و بلسکی^۵ (۱۹۸۰) تلاش کردند تا یک نظریه‌ی بوم‌شناختی را برای تبیین مسائل اجتماعی نظیر جرم و بزهکاری توسعه دهند. آنها معتقدند که محیط شخص می‌تواند به عنوان یک مجموعه از موقعیت‌ها درک شود؛ به گونه‌ای که هر کدام از این موقعیت‌ها از محیط خرد خانواده تا محیط کلان

1- Commonsense
2- Fowler
3- Chambers
4- Garbarino.
5- Belsky.

جامعه در درون سطح وسیع‌تر بعدی جای گرفته‌اند (رسکو^۱، ۲۰۰۷: ۴۲؛ جارچو^۲، ۲۰۰۴: ۱۷). با الهام از کارهای بلسکی در مورد سیستم‌های بوم‌شناختی، عواملی که به جرم و بزهکاری کمک می‌کند می‌تواند در تمام سطوح محیط بوم‌شناختی آنها واقع شده باشد و یا رخ دهد: ۱- سیستم پدیدآیی فردی^۳ ۲- سیستم خرد ۳- سیستم برونی ۴- سیستم کلان (رسکو، ۲۰۰۷: ۶۶-۶۸).

سیستم پدیدآیی فردی، رشد و تحول فردی و تجربیات دوران کودکی را مورد ملاحظه قرار می‌دهد و بیانگر مشاهده‌ی رفتارهای خشونت‌آمیز یا قربانی خشونت شدن است. سیستم خرد به سیستم خانواده و ارتباطات درونی آن توجه دارد. در صورتی که والدین، فرزندان را کتک بزنند یا آنها را مورد بی‌مهری قرار دهند، با کارکرد منفی کنش متقابل میان اعضای خانواده مواجه می‌گردند. سیستم برونی، به ساختارهای رسمی و غیررسمی جامعه از جمله موقعیت‌های شغلی، گروه دوستان و سایر گروه‌های اجتماعی اشاره دارد که خانواده را با محیط خارج ارتباط می‌دهند و در نهایت، سیستم کلان نیز شامل ارزشهای فرهنگی و الگوهای اعتقادی می‌شود (اعزازی، ۱۳۸۰: ۸۵-۸۴).

نظریه‌ی فضای قابل دفاع^۴: براساس این نظریه فقدان چهار عنصر از عوامل ایجاد فضاهای غیرقابل دفاع (مستعد رخداد جرم) هستند: ایجاد حس قلمرو و مالکیت در فضای قابل دفاع، افزایش نظارت طبیعی که به ساکنان اجازه می‌دهد افراد را شناسایی کرده و به وقایع قلمرو خود آگاه باشند، خلق تصویری امن از محیط اطراف که ساکنان آن را می‌شناسند و از آن مراقبت می‌کنند و اینکه همسایه‌ها باید بخشی از ناحیه‌ی امن و بزرگتری باشند که از آن در برابر خطرات حفاظت می‌کند و بالطبع محله‌ی خود را نیز حفاظت می‌نماید. براساس نظریه‌ی فضای قابل دفاع، افزایش نظارت اجتماعی به کاهش جرائم و افزایش آگاهی و امنیت مردم منجر می‌شود.

1- Resko
2- Jarchow
1- Ontogenic System
4- Defensible Space

نظریه‌ی پنجره‌ی شکسته: در این نظریه سه فرضیه در مورد انگیزه‌ی ترس عمومی مطرح شده است. ترس عمومی به وسیله‌ی ترس از قربانی جرم شدن، ترس از افراد مزاحم و ترسی از بی نظمی و بی توجهی به یک محیط فیزیکی ایجاد می‌شود. این نظریه با عنوان پنجره‌ی شکسته به نادیده گرفتن محیط فیزیکی می‌پردازد و بیان می‌کند که "یک پنجره‌ی تعمیر نشده نشانه‌ای از این است که هیچ کس به آنجا اهمیت نمی‌دهد بنابراین شکستن پنجره‌های بیشتر هیچ هزینه‌ای ندارد" (بیکر^۱، ۱۹۶۰). در واقع آنان فرض کرده‌اند که جرم به این معنا است که هیچ کس به قلمرو خود اهمیتی نداده یا مسئولیتی در قبال محیط اطرافش قبول نکرده است.

ب- دیدگاه‌های مرتبط با نظارت اجتماعی

نظریه‌ی نظارت یا کنترل اجتماعی: نظریه‌ی کنترل اجتماعی که بارها برای تبیین بزهکاری نوجوانان استفاده شده است، بر این پیش فرض استوار است که ارتکاب جرم، بخشی از طبیعت انسانی است و افراد اگر به حال خود گذاشته شوند و تحت تربیت قرار نگیرند، مرتکب جرم خواهند شد. رکلس^۲ (۱۹۷۳) استدلال می‌کند که ضعف بازدارنده‌های درونی و برونی [اجتماعی] است که باعث جرم و جنایت می‌شود. از نظر او بازدارنده‌های درونی، شامل کنترل شخصی، خودپنداره‌ی مثبت، اعتماد به نفس، وجدان و شخصیت اخلاقی و... بازدارنده‌های برونی شامل زندگی خانوادگی و گروه‌های حمایتی مؤثر و همچنین دربردارنده‌ی عواملی نظیر هنجارهای قابل قبول و متعارف، هنجارهای اخلاقی، انتظارات و به هم پیوستگی و... است. به عبارتی عوامل کنترل اجتماعی شامل تقید و تعهد به نهادهای اجتماعی بنیادین مانند خانواده، مدرسه و دین می‌شود (احمدی، ۱۳۸۴: ۸۹-۸۶).

هیرشی^۳ (۱۹۶۹) معتقد بود اشخاصی که به گروه‌های اجتماعی از قبیل خانواده، مدرسه و گروه همسالان تعلق داشته باشند، احتمال کمتری دارد که مرتکب کنش‌های بزهکارانه

1- Baker
2- Reckless
3- Hirschi

شوند. از نظر او چهار عنصر اساسی، افراد را در درون جامعه پیوند می‌دهند:

۱- تعلق^۱ یا حساسیت نسبت به دیگران و نظرات آنها که مهم‌ترین عنصر ضروری برای درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهاست. با داشتن این احساس افراد وابسته و محدود می‌شوند و کمتر خود را آزاد و رها می‌بینند که هنجارهای اجتماعی را نقص کنند (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۱). ۲- تعهد که همان سرمایه‌گذاری منطقی^۲ وقت و انرژی در جامعه‌ی قراردادی فرد است و با رفتارهای انحرافی به خطر می‌افتد. مفهوم تعهد بیان می‌کند که سازمان جامعه به مانند منافع اکثر مردم است که با کنش مجرمانه در معرض خطر قرار می‌گیرد (هیرشی، ۱۹۷۴: ۲۰-۲۱). ۳- شمول که کمتر شدن احتمالات فعالیت‌های انحرافی را توصیف می‌کند. شخصی که درگیر فعالیت‌های روزمره است، به ندرت فرصت کنش انحرافی پیدا می‌کند (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۲). ۴- اعتقادات و باورها که به پذیرش اعتبار قوانین قراردادی اشاره دارد. هر چه این اعتقاد در فرد ضعیف‌تر باشد، بیشتر احتمال دارد که هنجارشکنی کند بنابراین انحراف به علت فقدان اعتقاد به اعتبار هنجارها و قوانین واقع می‌شود. فردی که خود را تحت تأثیر اعتقادات معمول در جامعه نبیند، هیچ وظیفه‌ی اخلاقی برای هم‌نوا کردن خود و رعایت قوانین در نظر نمی‌گیرد (برسانی و چن، ۱۹۸۸: ۲۶).

به طور کلی از نظر هیرشی استدلال می‌شود که هرگاه پیوند فرد با جامعه ضعیف شود یا به عبارتی گروهی که اعضایش با هم انسجام قویتری داشته باشند، بهتر می‌توانند به اعمال نظارت اجتماعی روی اعضای خود دست بزنند.

دیدگاه گیدنز: گیدنز به مطالعه در مورد تأثیر تعاملات اجتماعی بر شاخص اعتماد اجتماعی با سه محور زیر می‌پردازد: الف- اعتماد و امنیت هستی‌شناختی: مربوط به دوران کودکی است که در بزرگسالی نمود پیدا می‌کند. در این دوران مراقبت‌های منظم و محبت‌آمیز برای ایجاد اعتماد در کودک ضروری است. ب- اعتماد به نظام انتزاعی: مربوط به اعتماد به اصول غیرشخصی است و با پیشرفت‌های علمی تکنولوژی عصر

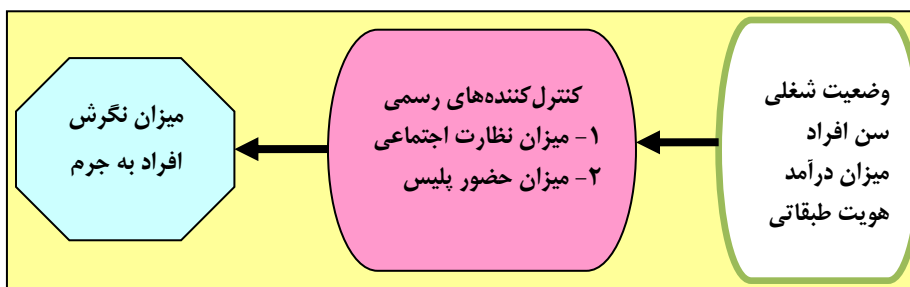
جدید در ارتباط است و بیانگر رابطه‌ی عقلی انسان‌ها با افرادی است که در این زمینه فعالیت دارند. ج- اعتماد در رابطه بین شخصی: بیانگر رابطه‌ی احساسی و عاطفی میان انسان‌هاست (جبه دار و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۴۵). براساس دیدگاه گیدنز ارتباط قوی میان افراد یک جامعه و نیروهای نظارت کننده می‌تواند به اعتمادسازی بین آنها منجر شود و به تبع آن انحرافات و جرم کاهش یابد.

چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری این پژوهش برگرفته از دیدگاه بیکر و گیدنز است. براساس دیدگاه گیدنز اقبال فزاینده‌ی عمومی به خدمات امنیتی خصوصی، انواع و اقسام دزدگیرهای الکترونیکی، سگ‌های نگهبان و محله‌های دژمانند حکایت از این دارد که برخی از مردم به این باور رسیده‌اند که ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که در آن بخش‌هایی از جمعیت احساس می‌کنند که ناچارند از خود در برابر دیگران دفاع کنند (گیدنز، ۱۳۸۳: ۳۱۱). بنابراین فعالیت‌های مدیریت خطر مثل گشت‌زنی پلیس، گروه‌های امنیت خصوصی و سیستم‌های نظارتی، همگی به منظور حفاظت از عموم مردم در برابر خطرات بالقوه انجام می‌پذیرد. برای مثال در مرکز خرید ارگ و یا دبیر اعظم کرمانشاه ما شاهد گشت و گذار فزاینده‌ی نیروهای پلیس هستیم و این حکایت از اعتماد مردم به نظارت و کنترل نیروهای نظامی و انتظامی دارد. بنابراین ایجاد اماکن امن و مملو از سلامت را هم برای واحدهای اقتصادی و از طرفی برای مصرف‌کنندگان، می‌تواند یک سرمایه در نظر گرفت که این سرمایه نوعی سرمایه‌ی رسمی است که با حضور نیروهای نظارتی و پلیس امکان‌پذیر خواهد شد. از طرفی گیدنز استدلال می‌کند که روش‌های پلیسی قابل رؤیت مثل گشت‌زنی در خیابان‌ها موجب اطمینان خاطر مردم می‌شود. چنین فعالیت‌هایی با این تلقی سازگار هستند که پلیس فعالانه مشغول کنترل جرم، تحقیق درباره‌ی تخلفات و پشتیبانی از نظام عدالت کیفری است. همچنین می‌توان در کنار نظریه‌ی گیدنز، از دیدگاه نظری بیکر نیز مسأله را کندوکاو کرد. بیکر (۱۹۶۸) اولین نظریه درباره‌ی جرم بر مبنای

رفتارهای عقلانی را ارائه داد (کارنیرو و دیگران^۱، ۲۰۰۵). نکته‌ی مهم در نظریه‌ی بیکر این است که جرم با وجود بیشتر حضور پلیس کاهش می‌یابد. از طرفی وی معتقد است که هزینه‌ی ارتکاب جرم تنها به جریمه‌های قانونی و رسمی به وسیله‌ی پلیس بر نمی‌گردد، بلکه به جریمه‌های غیررسمی مانند طرد اجتماعی بر می‌گردد که جامعه آن را ایجاد می‌نماید (فانک^۲، ۲۰۰۵). به طور کلی می‌توان استدلال کرد که جریمه‌های بیرونی و مجازات‌هایی که در نتیجه‌ی بی‌اخلاقی‌های احتمالی در جامعه رخ می‌دهد و توسط پلیس اعمال می‌گردد به عنوان یک عامل نظارتی بیرونی، نقش اساسی در کنترل و کاهش جرم دارد و به عنوان عاملی بازدارنده تأثیرگذار خواهد بود. نمودار زیر روابط بین متغیرهای این پژوهش را در قالب مدل تجربی تحقیق نشان می‌دهد.

نمودار شماره‌ی ۱: مدل تجربی پژوهش



فرضیه‌ی اساسی پژوهش به صورت زیر است:

بین بازدارنده‌های رسمی و نگرش افراد به جرم رابطه وجود دارد.

بین سن، وضعیت شغلی، هویت طبقاتی و درآمد با نگرش به جرم رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

روش پژوهش در این مطالعه توصیفی از نوع پیمایشی است و از آنجا که جامعه‌ی مورد مطالعه بسیار وسیع است و محقق قادر به جمع‌آوری داده‌ها برای کل این افراد نبود، بنابراین از روش نمونه‌گیری استفاده کرد. جامعه‌ی آماری مورد مطالعه در این پژوهش

1- Carneiro et al.

2- Funk

شهروندان بالای ۱۵ سال شهر کرمانشاه هستند. کل جمعیت مذکور در شهر بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ برابر با ۱۷۱۸۲ نفر هستند. تعدادی از جامعه‌ی آماری برابر با ۳۰۰ نفر به عنوان نمونه‌ی معرف به شیوه‌ی تصادفی ساده برای مطالعه انتخاب شدند. این حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران به دست آمده است. برای تعیین روایی پرسشنامه‌ها از نظر متخصصان استفاده شد؛ به این معنا که ابتدا پرسشنامه در اختیار متخصصان در حوزه‌ی جامعه‌شناسی قرار گرفت و سپس با اعمال نظرهای آنها روایی صوری آن به دست آمد. برای مطالعه‌ی مقدماتی نیز سؤالات در اختیار نمونه‌ای ۵۰ نفری قرار گرفت. قابل ذکر است که افرادی که در مطالعه‌ی مقدماتی به کار گرفته شدند، در پرسشنامه‌ی نهایی وارد نشده‌اند بنابراین تعیین آلفای کرونباخ برای ابزار سنجش در مطالعه‌ی مقدماتی به دست آمد. ضریب همسانی درونی (آلفای کرونباخ) نشان می‌دهد که طیف‌ها از پایایی بالاتر از ۷۵٪ که در پژوهش‌های اجتماعی مد نظر است، برخوردارند.

جدول ۱: ضرایب پایایی درونی و بازآزمایی (پس از دو هفته، ۵۰ نفر) در متغیرها

پس آزمون		پیش آزمون		عنوان خرده‌مقیاس
میزان آلفای کرونباخ	تعداد گویه	میزان آلفای کرونباخ	تعداد گویه	
۰/۷۹	۲۰ گویه	۰/۵۷	۲۴ گویه	میزان حضور پلیس
۰/۸۲	۱۳ گویه	۰/۶۶	۱۹ گویه	میزان نظارت اجتماعی
۰/۸۹	۱۲ گویه	۰/۶۹	۱۶ گویه	میزان بی‌هنجاری اجتماعی

در این پژوهش از روش دو نیمه کردن آزمون برای پایایی نیز استفاده گردیده است. از آنجا که آزمون در این شیوه‌ی سنجش به دو نیمه تقسیم گردید، ضریب همبستگی بین نیمه‌های آزمون به دست آمده برای میزان نظارت اجتماعی (فرمول شماره‌ی ۱) برابر ۰/۴۷۷، برای میزان گشت‌زنی پلیس (فرمول شماره‌ی ۲) برابر ۰/۷۰۴ و برای میزان ناهنجاری اجتماعی (فرمول شماره‌ی ۳) برابر ۰/۲۷۶ است. برای محاسبه‌ی ضریب اعتبار کل آزمون از ضریب پیشنهادی اسپیرمن - براون اقدام شد.

جدول ۲: مقادیر به دست آمده از روش دوتیمه کردن برای اعتبار ابزار سنجش

نام متغیرها	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	همبستگی	
				اسپیرمن-براون	درونی
نظارت اجتماعی	نیمه‌ی اول	۴۶/۱۳	۶/۵۵	۰/۶۴۶	۰/۴۷۷
	نیمه‌ی دوم	۴۱/۵۲	۵/۸۶		
گشت‌زنی پلیس	نیمه‌ی اول	۳۲/۱۷۰	۸/۴۰۹	۰/۷۰۴	۰/۵۴۴
	نیمه‌ی دوم	۳۴/۶۹۲	۶/۸۷۸		
میزان ناهنجاری	نیمه‌ی اول	۱۸/۲۱۵	۵/۱۴۹	۰/۴۳۳	۰/۲۷۶
	نیمه‌ی دوم	۱۷/۰۷۲	۵/۸۱۱		

مهم‌ترین مفاهیم مورد استفاده در این پژوهش عبارتند از:

میزان ناهنجاری: کجروی اجتماعی رفتاری که هنجارهای اجتماعی را نقض کرده و در نتیجه از نظر تعداد بسیاری از مردم قابل نکوهش است (ستوده، ۱۳۸۰: ۳۱). در این مطالعه میزان ناهنجاری با استفاده از ۱۲ گویه در قالب طیف لیکرت سنجش گردید.

میزان نظارت اجتماعی: نظارت اجتماعی شامل تمامی کنترل‌های اعمالی از طرف حکومت، سازمان‌ها و نهادهای غیررسمی و رسمی بر اجتماع است (خلفخانی، ۱۳۸۷: ۵۱). نظارت اجتماعی با ۱۳ گویه در قالب طیف لیکرت سنجش گردیده است.

میزان و نوع جرم: در جامعه‌شناسی انحرافات به اعمال غیر قانونی که افراد زیر سن قانونی مرتکب می‌شوند، بزه و به انجام دهنده‌ی این رفتار بزه‌کار می‌گویند. واژه‌ی جرم و مجرم را برای افراد بالای سن قانونی در نظر می‌گیرند بنابراین اعمال غیر قانونی که به وسیله‌ی جوانانی انجام می‌شود که هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند، رفتار بزهکارانه نامیده می‌شود و جوانانی را که چنین رفتارهایی را مرتکب می‌شوند، جوانان بزهکار می‌نامند (احمدی، ۱۳۷۷: ۱۴).

نرخ جرم: انواع جرائم صورت گرفته در طول سال ۹۲ در شهر کرمانشاه به نه دسته

تقسیم گردیده‌اند که به شرح ذیل هستند: ۱- قتل (گرفتن جان کسی را عمداً و بطور غیر قانونی است)، ۲- آدم‌ربایی، ۳- سرقت مسلحانه به معنای سرقت تصرف غیر قانونی در مال دیگران با خشونت یا بدون خشونت است، ۴- جعل اسناد، ۵- کلاهبرداری، ۶- غصب عناوین، ۷- کیف‌قاپی، ۸- سرقت‌های عادی، ۹- سایر جرائم (جرائم عادی شامل سرقت‌های خودرو، موتور سیکلت، مغازه، منزل، اماکن خصوصی و دولتی، درون خودرو، احشام، جیب‌بری و کش و روزنی است).

یافته‌های پژوهش

داده‌های پژوهش حاصل استخراج پرسشنامه‌هایی است که توسط ۳۰۰ نفر از شهروندان مستقر در شهر کرمانشاه تکمیل گردیده و اساس تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش حاضر قرار گرفته است. پس از پایان یافتن گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ها، استخراج و آن گاه به کامپیوتر انتقال یافت و سپس با استفاده از بسته‌ی نرم افزار آماری برای علوم اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

نتایج نشان می‌دهد که که ۳۱/۰ درصد از پاسخگویان در طبقات بالا، ۴۸/۶ درصد آنها در طبقات میانی و ۲۰/۳۳ درصد آنها را طبقات پایین تشکیل می‌دهند. میانگین میزان وقوع جرم در جامعه از نظر پاسخگویان برابر ۶۲/۲۵ است. این نمره در مقایسه با میانگین مورد انتظار (میانگین مورد انتظار برابر ۶۰ است) در حد بالایی قرار دارد.

جدول شماره‌ی ۳ توزیع متغیر مستقل (میزان ناهنجاری، میزان نظارت اجتماعی و گشت‌زنی پلیس) را برحسب شاخص‌های توصیفی نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که میانگین واقعی میزان ناهنجاری برابر ۳۵/۲۸۸ است که این میانگین در مقایسه با میانگین مورد انتظار (برابر ۳۶) در حد متوسطی قرار دارد. میانگین میزان گشت‌زنی پلیس برابر ۶۶/۸۶ است که این میانگین در مقایسه با میانگین مورد انتظار (میانگین مورد انتظار برابر ۶۰ است) در حد نسبتاً بالایی قرار دارد.

نتایج حاصل از جدول شماره‌ی ۳ نشان می‌دهد که متغیرهای فوق رابطه‌ی معناداری با نگرش به وقوع جرم دارند. نتایج نشان می‌دهند که هر اندازه میزان نظارت اجتماعی و

میزان حضور پلیس بالاتر برود نگرش به وقوع جرم پایین می‌آید. برعکس، هر اندازه میزان ناهنجاری افراد بیشتر می‌شود، باعث افزایش میزان جرائم و کجروی در میان پاسخگویان می‌یابد. رابطه بین متغیرهای مذکور برای میزان حضور پلیس ($r = -0/44$)، میزان نظارت اجتماعی ($r = -0/512$) و میزان ناهنجاری ($r = 0/485$) است.

جدول ۳: توزیع نسبی سایر متغیرهای مستقل

معناداری	همبستگی	مقدار آلفا	میانگین		نام متغیر
			واقعی	مورد انتظار	
۰/۰۰۰	۰/۴۸۵	۰/۸۲	۳۶	۳۵/۲۸۸	میزان ناهنجاری
۰/۰۰۰	-۰/۵۱۲	۰/۸۹	۳۹	۳۶/۸۳	میزان نظارت اجتماعی
۰/۰۰۰	-۰/۴۴	۰/۷۷	۶۰	۶۶/۸۶	گشت‌زنی پلیس

جدول شماره ۴ نشان‌دهنده‌ی توزیع فراوانی نگرش پاسخگویان بر حسب وضعیت و میزان شیوع جرائم اجتماعی را نشان می‌دهد. نتایج حاصل نشان می‌دهد که میزان وقوع سرقت وسیله‌ی نقلیه‌ی شخصی از میان جرائم اجتماعی از همه بیشتر است. به طوری که ۱۹۷ نفر یا به عبارتی ۶۵ درصد پاسخگویان ادعا داشتند که میزان شیوع این نوع جرم در جامعه بیشتر است. رابطه‌ی نامشروع، نزاع دسته‌جمعی، کتک خوردن از افراد ناشناس، قاچاق و تصادف از جمله جرائمی است که در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

جدول ۴: توزیع پاسخگویان بر حسب نگرش آنها نسبت به میزان شیوع جرائم اجتماعی

خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	آیتم‌ها
(۴۲/۷)۱۲۸	(۲۳/۰)۶۹	(۲۱/۷)۵۵	(۴/۰)۱۲	(۸/۷)۲۶	سرقت وسیله‌ی نقلیه‌ی
(۱۸/۰)۵۴	(۲۶/۰)۷۸	(۳۱/۳)۹۴	(۱۳/۰)۳۹	(۱۱/۷)۳۵	قتل
(۱۵/۷)۴۷	(۱۷/۳)۵۲	(۲۷/۳)۸۲	(۱۸/۷)۵۶	(۲۱/۰)۶۳	آدم‌ربایی
(۱۷/۰)۵۱	(۲۲/۳)۶۷	(۲۶/۷)۸۰	(۱۴/۳)۴۳	(۱۹/۷)۵۹	غصب عناوین
(۲۰/۰)۶۰	(۲۲/۷)۶۸	(۲۰/۷)۶۲	(۲۱/۳)۶۴	(۱۵/۳)۴۶	رابطه‌ی نامشروع
(۲۰/۰)۶۰	(۲۲/۷)۶۸	(۲۱/۷)۶۵	(۱۶/۷)۵۰	(۱۹/۰)۵۷	جعل اسناد
(۱۸/۳۳)۵۵	(۱۹/۰)۵۷	(۲۳/۰)۶۹	(۲۱/۳۳)۶۴	(۱۸/۳۳)۵۵	توزیع مواد مخدر
(۲۲/۰)۶۶	(۱۸/۰)۵۴	(۲۷/۳۳)۸۲	(۱۵/۷)۴۷	(۱۷/۰)۵۱	کلاهبرداری

آیتم‌ها	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
نزاع جمعی	(۱۸/۷)۵۶	(۱۷/۰)۵۱	(۱۹/۰)۵۷	(۲۴/۷)۷۴	(۲۰/۷)۶۲
شاک‌ی خانواده	(۱۹/۰)۵۷	(۲۱/۷)۶۵	(۲۱/۰)۶۳	(۲۱/۷)۶۵	(۱۶/۷)۵۰
سلاح غیرمجاز	(۱۷/۳)۵۲	(۱۳/۷)۴۱	(۳۰/۰)۹۰	(۲۰/۰)۶۰	(۱۹/۰)۵۷
مورد تجاوز قرار گرفتن	(۱۹/۰)۵۷	(۲۰/۰)۶۰	(۲۴/۷)۷۴	(۱۸/۰)۵۴	(۱۸/۳۳)۵۵
سرقت مسلحانه	(۲۱/۰)۶۳	(۱۶/۷)۵۰	(۲۶/۷)۸۰	(۱۸/۰)۵۴	(۱۷/۷)۵۳
کیف‌قاپی و جیب‌بری	(۱۵/۳)۴۶	(۱۷/۰)۵۱	(۲۷/۰)۸۱	(۱۹/۷)۵۹	(۲۱/۰)۶۳
سرقت اموال و اشیای منزل	(۲۲/۳۳)۶۷	(۱۵/۰)۴۵	(۲۳/۳)۷۰	(۱۹/۷)۵۹	(۱۹/۷)۵۹
مهریه	(۱۶/۳۳)۴۹	(۱۹/۰)۵۷	(۲۴/۰)۷۲	(۲۰/۳۳)۶۱	(۲۰/۳۳)۶۱
کتک خوردن از افراد ناشناس	(۱۹/۳۳)۵۸	(۱۴/۳)۴۳	(۲۳/۰)۶۹	(۲۱/۰)۶۳	(۲۲/۳۳)۶۷
قاچاق	(۱۵/۷)۴۷	(۱۵/۰)۴۵	(۲۷/۰)۸۱	(۲۱/۰)۶۳	(۲۱/۳۳)۶۴
تصادف	(۱۱/۰)۳۳	(۲۱/۷)۶۵	(۲۵/۰)۷۵	(۲۱/۳۳)۶۴	(۲۱/۰)۶۳
مالی - امنیتی	(۲۰/۰)۶۰	(۱۶/۷)۵۰	(۱۹/۳۳)۵۸	(۱۸/۷)۶۵	(۲۵/۳۳)۷۶

فرضیه: وضعیت شغلی بر نگرش به جرم تأثیر معناداری دارد.

جدول شماره ۵ آزمون تفاوت میانگین نگرش به جرم را برحسب وضعیت شغلی نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که بین گروه‌ها با هم تفاوت وجود دارد. این تفاوت براساس آزمون تی مستقل با مقدار ($t = ۴/۳۶$) قابل پذیرش و فرضیه مذکور مورد پذیرش است.

جدول ۵: آزمون تفاوت میانگین نگرش به جرم برحسب وضعیت شغلی

نگرش به جرم	وضعیت شغلی	میانگین	انحراف معیار	میزان t	معناداری
	شاغل	۵۹/۳۸	۹/۳۸	۴/۳۶	۰/۰۰۳
	غیرشاغل	۶۲/۸۹	۱۱/۶۵		

آزمون‌های ناپارامتری

جدول شماره ۶ محاسبه آزمون‌های ناپارامتری برای پیوستگی بین میزان ناهنجاری و نوع جرم را نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که میزان کای اسکور بین میزان ناهنجاری و نوع جرم برای پاسخگویان برابر ۳۸/۷۸ است. می‌توان براساس این آزمون نتیجه را به

کل جامعه‌ی آماری تعمیم داد. همچنین مقدار d سامرز برابر $۰/۳۳۸$ است. این نتیجه نیز نشان می‌دهد هر اندازه ناهنجاری بین افراد بیشتر باشد، توجه آنها به وقوع جرم کمتر است. قابل ذکر است که مقادیر Tub و Tuc کندال نیز به ترتیب در این جا برابر $۰/۳۴۰$ و $۰/۲۳۵$ می‌باشد که معنادار است.

جدول ۶: محاسبه‌ی آزمون‌های ناپارامتری برای پیوستگی بین میزان ناهنجاری و نگرش افراد به جرم

میزان ناهنجاری				گروه‌ها		
جمع کل	سطح پایین	سطح میانی	سطح بالا	سطح بالا	سطح میانی	
۱۷۴	۱۶	۱۴۵	۱۳			سطح پایین
۱۱۶	۴۳	۷۰	۳			جمع کل
۱۰	۵	۵	۰			
۳۰۰	۶۴	۲۲۰	۱۶			
Chi-Square = ۳۸/۷۸ df = ۴ Sig = ۰/۰۰۰						
۰/۰۰۰ Sig = ۰/۳۴۰		Kendall's tau-b = ۰/۰۰۰ Sig = ۰/۳۳۸ Somers' d =				
۰/۰۰۰ Sig = ۰/۶۵۰		Gamma = ۰/۰۰۰ Sig = ۰/۲۳۵ Kendall's tau-c =				

جدول شماره‌ی ۷ محاسبه‌ی آزمون‌های ناپارامتری برای پیوستگی بین میزان نظارت اجتماعی و نگرش افراد به جرم را نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که میزان کای اسکوئر بین میزان نظارت اجتماعی و نگرش افراد به جرم پاسخگویان برابر $۸/۶۵-$ است و این مقدار در سطح حداقل ۹۵ درصد معنادار است. بنابراین می‌توان براساس این آزمون نتیجه را به کل جامعه‌ی آماری تعمیم داد. همچنین مقدار d سامرز برابر $۰/۱۵۲-$ است. این نتیجه نیز نشان می‌دهد هر اندازه میزان نظارت اجتماعی بیشتر باشد، توجه آنها به وقوع جرم کمتر است. قابل ذکر است که مقادیر Tub و Tuc کندال نیز به ترتیب در این جا برابر $۰/۱۵۲-$ و $۰/۱۵۲-$ می‌باشد که معنادار است.

جدول ۷: آزمون‌های ناپارامتری برای پیوستگی بین میزان نظارت اجتماعی و نگرش افراد به جرم

میزان نظارت اجتماعی				گروه‌ها	
جمع کل	سطح پایین	سطح میانی	سطح بالا	سطح بالا	$\begin{matrix} ۱ \\ ۲ \\ ۳ \\ ۴ \end{matrix}$
۱۷۴	۱۴	۹۶	۶۴	سطح میانی	
۱۱۶	۱۶	۷۲	۲۸	سطح پایین	
۳۰۰	۳۱	۱۷۶	۹۳	جمع کل	
Chi-Square = -۸/۶۵				df = ۴	Sig = ۰/۰۷۰
۰/۰۰۴ Sig = -۰/۱۵۲		Kendall's tau-c = ۰/۰۰۴		Sig = -۰/۱۵۲ Somers' d =	
۰/۰۰۴ Sig = -۰/۲۸۷		Gamma = ۰/۰۰۴		Sig = -۰/۱۵۲ Kendall's tau-b =	

جدول شماره‌ی ۸ محاسبه‌ی آزمون‌های ناپارامتری برای پیوستگی بین میزان گشت‌زنی پلیس و وقوع جرم را نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که میزان کای اسکوئر بین میزان گشت‌زنی پلیس و وقوع جرم پاسخگویان برابر ۱۳/۲۸- است و این مقدار در سطح حداقل ۹۵ درصد معنادار است. بنابراین می‌توان براساس این آزمون نتیجه را به کل جامعه‌ی آماری تعمیم داد. همچنین مقدار d سامرز برابر ۰/۲۰۵- است. این نتیجه با توجه به خطای ۰/۰۶ معنادار نیست. قابل ذکر است که مقادیر Tub و Tuc کندال نیز به ترتیب در اینجا برابر ۰/۰۸۸- و ۰/۶۰۰- است که برای اولی معنادار بوده ولی برای گاما معنادار نیست.

جدول ۸: محاسبه‌ی آزمون‌های ناپارامتری برای پیوستگی بین میزان گشت‌زنی پلیس و وقوع جرم

میزان گشت‌زنی پلیس				گروه‌ها	
جمع کل	سطح پایین	سطح میانی	سطح بالا	سطح بالا	$\begin{matrix} ۱ \\ ۲ \\ ۳ \\ ۴ \end{matrix}$
۳۹	۰	۲۶	۱۳	سطح میانی	
۲۴۲	۱۳	۲۰۱	۳۰	سطح پایین	
۲۸۲	۱۳	۲۲۹	۴۳	جمع کل	
Chi-Square = -۱۳/۲۸				df = ۴	Sig = ۰/۰۱۰
۰/۰۲۹ Sig = -۰/۰۸۸		Kendall's tau-c = ۰/۰۶۱		Sig = -۰/۲۰۵ Somers' d =	

۰/۱۱۴ Sig = -۰/۶۰۰

Gamma = ۰/۰۶۲ Sig = -۰/۲۰۸ Kendall's tau-b =

آزمون رگرسیون چندگانه

در پژوهش حاضر از آماره‌ی رگرسیون چندگانه به شیوه‌ی گام به گام استفاده به عمل آمد. نتیجه‌ی به دست آمده از این آزمون در مورد میزان جرائم اجتماعی (متغیر وابسته) نشان می‌دهد که خطاها یا باقی مانده‌ها برای این مدل رگرسیونی مستقل از هم هستند؛ در این معادله میزان نظارت اجتماعی و میزان ناهنجاری وارد شدند. آزمون T نشان می‌دهد که ضریب بتا برای این متغیرها در سطح معناداری قرار دارد. مقدار T برای متغیر میزان نظارت اجتماعی برابر (T = -۵/۱۱۹) و ضریب معناداری (Sig.T = ۰/۰۰۰) است. در اینجا ضریب تعیین برابر با $R^2 = ۰/۳۵۸$ به دست آمد. در مرحله بعد میزان ناهنجاری اجتماعی مقدار T برابر (T = ۲/۳۷۴) و ضریب معناداری (Sig.T = ۰/۰۱۸) است. در این مرحله میزان ضریب تعیین برابر با $R^2 = ۰/۳۷۰$ به دست آمد. این دو متغیر روی هم رفته توانستند مقدار ۰/۳۷ از تغییرات درونی متغیر وابسته را تبیین کنند.

جدول ۹: تحلیل چندگانه متغیرهای مستقل برای پیش‌بینی میزان وقوع جرائم اجتماعی

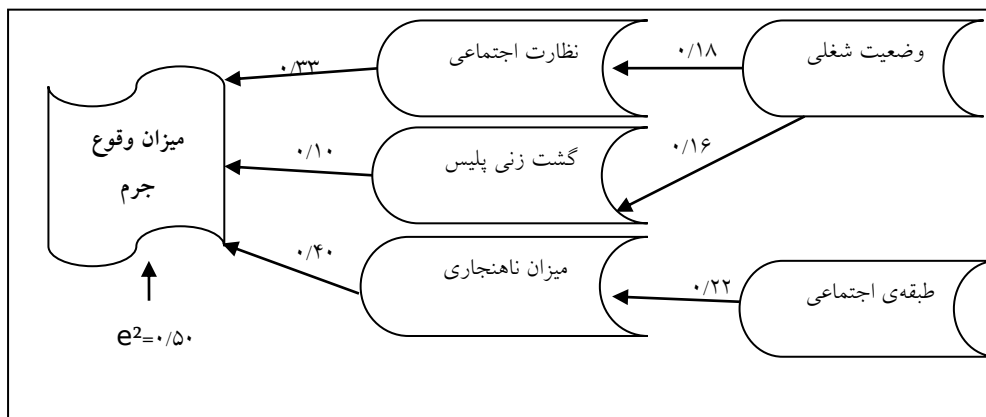
مدل	نام متغیر	B	Beta	مقدار t	معناداری	مقدار R	R ²
۱	میزان نظارت اجتماعی	-۰/۱۴۹	-۰/۳۳۳	-۵/۵۱۴	۰/۰۰۰	۰/۴۰۹	۰/۴۰۷
۲	میزان ناهنجاری اجتماعی	۰/۳۴۳	۰/۴۰۵	۷/۴۸۹	۰/۰۰۰	۰/۴۹۷	۰/۴۹۴
۳	میزان گشت‌زنی پلیس	-۰/۱۴۱	-۰/۱۰۰	-۲/۱۱۶	۰/۰۳۵	۰/۵۰۵	۰/۵۰۰
۲۱/۰۱۸ Constant=۱۰۰/۵۱۵ F=۱/۸۲ Method= Stepwise Durbin-Watson=							
$Y = a + bx_1 + bx_2 + \dots + bx_n$							
میزان وقوع جرم = -۰/۳۳ (میزان نظارت اجتماعی) + ۰/۴۰ (میزان ناهنجاری اجتماعی) + -۰/۱۰ (گشت‌زنی پلیس) + e _i							

مدل علی تحلیل مسیر

مدل تجربی پژوهش از نوع تحلیل مسیر است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که دو متغیر میزان نظارت اجتماعی و میزان ناهنجاری به صورت مستقیم بر میزان وقوع جرم تأثیر دارند که از بین آنها میزان نظارت اجتماعی به صورت مثبت و مستقیم و میزان ناهنجاری

به صورت منفی و مستقیم بر میزان وقوع جرم اثرگذارند. قابل ذکر است که متغیر میزان نظارت اجتماعی دارای بیشترین اثر مستقیم است. از طرفی متغیرهایی چون وضعیت شغلی و طبقه‌ی اجتماعی به صورت غیرمستقیم بر میزان وقوع جرم تأثیر دارند.

مدل شماره‌ی ۲: مدل تحلیل مسیر



بحث و نتیجه‌گیری

براساس نتایج حاصل از این پژوهش می‌توان چنین استنباط کرد که درصد اندکی از افراد و خانواده‌ها در امر نظارت اجتماعی دخالت دارند. در بررسی این فضای اجتماعی می‌توان نقش موانعی مانند بی‌قدرتی، احساس بیگانگی افراد از نظام پلیسی و همچنین نگرش منفی مسئولان و مدیران نسبت به مشارکت ذکر کرد. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که میانگین میزان وقوع جرم در جامعه از نظر پاسخگویان برابر ۶۲/۲۵ است. این نمره در مقایسه با میانگین مورد انتظار (میانگین مورد انتظار برابر ۶۰ است) در حد بالایی قرار دارد. نتایج نشان می‌دهد که میانگین نظارت اجتماعی پاسخگویان برابر ۳۶/۸۳، میزان ناهنجاری برابر ۳۵/۲۸ و میزان گشت‌زنی پلیس برابر ۶۶/۸۶ می‌باشد. این میانگین‌ها در مقایسه با میانگین مورد انتظار برای مؤلفه‌های فوق به ترتیب برابر ۳۹، ۳۶ و ۶۰ است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که میزان وقوع سرقت وسیله‌ی نقلیه‌ی شخصی از میان جرائم اجتماعی از همه بیشتر است. به طوری که ۱۹۷ نفر یا به عبارتی ۶۵ درصد پاسخگویان ادعا داشتند که میزان شیوع این نوع جرم در جامعه بیشتر است. رابطه‌ی

نامشروع، نزاع دسته‌جمعی، کتک خوردن از افراد ناشناس، قاچاق و تصادف از جمله جرائمی است که در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

نتایج حاصل از فرضیه "بین میزان ناهنجاری و میزان نگرش به جرم رابطه وجود دارد"، نشان می‌دهد که بین این دو متغیر رابطه شدید و معناداری وجود دارد. سطح معنا-داری ($\text{Sig}=0/000$) و ضریب به دست آمده برای این متغیر برابر ($r = 0/485$) بیانگر رابطه مثبت و مستقیم بین این دو متغیر است. با افزایش یا کاهش در میزان ناهنجاری اجتماعی در میان آنها نیز به مقدار زیادی افزایش یا کاهش می‌یابد. با توجه به این آمارها می‌توان چنین استدلال کرد که فرضیه‌ی مذکور در سطح حداقل ۹۵ درصد معنادار بوده و مورد تأیید قرار می‌گیرد. نتیجه‌ی مذکور با مطالعات سراج زاده (۱۳۸۹) و هم چنین با مطالعه ملکمیان (۱۳۸۸) همسو است.

همچنین "بین میزان نظارت اجتماعی و میزان نگرش به جرم رابطه وجود دارد". ضریب همبستگی به دست آمده برای این متغیر برابر $0/512-$ با سطح معنا-داری ($\text{Sig}=0/000$)، بیانگر رابطه‌ی معنادار و معکوس بین دو متغیر مذکور است. در بررسی فرضیه‌ی "بین میزان حضور پلیس و میزان نگرش به جرم رابطه وجود دارد"، نتایج نشان می‌دهد که بین میزان حضور نیروهای نظامی و میزان نگرش به وقوع جرم رابطه‌ی معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی به دست آمده برای این متغیر برابر $0/44-$ با سطح معناداری ($\text{Sig}=0/000$)، بیانگر رابطه‌ی منفی و معکوس بین دو متغیر مذکور است. می‌توان استدلال کرد که نظارت پلیس به عنوان یک بازدارنده تا حدی جرم را کاهش می‌دهد ولی نباید از تأثیرات برعکس این متغیر نیز غافل ماند. خیلی جاها مشاهدات حاکی از این است که جرائم اجتماعی به سمت مناطقی کشیده می‌شود که حضور نیروهای نظامی قویتر است و این همان محل امن و بی شک برای رشد جرائم اجتماعی خفته است. این نتیجه با مطالعه‌ی هیپ (۲۰۱۰) و همچنین مطالعه یامامورا (۲۰۰۹) و جبه دار و همکاران (۱۳۸۷) همسو است.

رابطه‌ی بین جرم و حضور پلیس یک رابطه‌ی دوطرفه است و گاهی اوقات نوعی

انحراف ایجاد می‌کند. به عبارت دقیق‌تر اگر جامعه از بازدارنده‌های رسمی و غیررسمی برای جلوگیری جرم هنگام افزایش آن استفاده کند، نظارت و گشت‌زنی پلیس در کنار عوامل غیررسمی مانند سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان یکی از عوامل مورد استفاده قرار می‌گیرد. از آنجا که سازماندهی به ترافیک یکی از وظایف اصلی پلیس است و میزان توزیع نیروی پلیس بستگی به شرایط ترافیک دارد. متعاقباً شرایط ترافیک به گونه‌ای است که باید از نیروی پلیس بیشتری استفاده شود. تعداد و جاها بستگی به تعداد پلیس دارد.

یافته‌های عمده به دست آمده از تحلیل‌های این پژوهش نشان می‌دهد که پلیس و سرمایه‌ی اجتماعی می‌توانند جرم را کاهش دهند. این دو مورد در راستای هم تا حد زیادی از جرم می‌کاهند. در شرایط جامعه‌ی مدرن که توأم با پیچیدگی و ریسک‌پذیری است، درچنین شرایطی، سرمایه نقش مهمی در تبیین و حفظ نظم اجتماعی باز می‌کند در واقع سرمایه‌ی اجتماعی است که به افراد اجازه می‌دهد به راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و به واسطه‌ی این تسهیل‌کنش است که سرمایه‌ی اجتماعی یاد می‌شود. جوامعی که به هر طریقی سرمایه‌ی اجتماعی کاهش یابد دچار شکاف و مشکل خواهد شد و با افزایش انحرافات مواجه خواهد شد هزینه‌های ناشی از ارتکاب جرم تابع سرمایه‌ی اجتماعی است بنابراین نظارت کامل به خیابان‌ها، ساختمان‌ها و خانه‌ها هم توسط نیروهای مردمی به صورت غیررسمی و هم توسط نیروهای گشت‌زنی پلیسی می‌تواند در کاهش وقوع جرائم اجتماعی اثرگذار باشد و احساس امنیت و آسایش را برای مردم به وجود آورند.

عوامل رسمی نظیر توان پلیسی و قضایی، احتمال دستگیری، میزان مجازات‌ها و مواردی مشابه می‌تواند تحت عنوان عامل بازدارندگی بیان شود. طبیعی است که هر چه توان امنیتی و قضایی در جامعه‌ای بیشتر باشد، اعمال کارهای مجرمانه نیز کاهش خواهد یافت. وجود نیروهای پلیس آموزش دیده و خبره و همین‌طور ایجاد و اعمال قانون‌های روزآمد، متناسب با جرائم می‌تواند تأثیری منفی بر ارتکاب جرم داشته باشد. اگر در نظر

بگیریم که هزینه‌ی جرم شامل احتمال دستگیری و میزان مجازات است، پس در واقع عاملی است که می‌توان آن را عامل «بازدارندگی» نام برد. بنابراین کاهش جرایم، حضور پلیس و مجازات و تعقیب به تنهایی موثر نیست بلکه هنجارهای دیگری تحت عوامل بازدارنده وجود دارد که ممکن است به وسیله‌ی دولت، آموزش و پرورش، خانواده و مذهب به طور مؤثر نیازهای اجتماعی را محدود نموده، بهترین کنترل و مدافع در برابر جرایم به شمار آیند. که باید مورد توجه جدی برنامه‌ریزان کشور قرار گیرد.

بر این اساس نتایج این پژوهش به صورت نظری می‌توان استدلال کرد که در زمینه‌ی کاهش جرائم شهری و افزایش امنیت اجتماعی و برقراری محیطی آرام و مناسب برای شهروندان می‌توان موارد زیر را در جامعه عملی نمود:

۱- اعتمادسازی و اعتمادپروری با توجه به شرایط فعلی تنها در صورتی امکان پذیر است که زمینه‌های اعتماد بنیادی در خانواده، مدرسه، و همسالان مورد تقویت قرار گیرد تا گام‌های بعدی در سطوح بالاتر زندگی برداشته شود، نقصان در این فرایند مانع ایجاد بسترهای اعتماد خواهد بود.

۲- از آنجایی که مطابق مطالعات صورت گرفته، توان امنیتی و قضایی دارای تأثیر مثبتی بر کاهش وقوع جرائم است؛ بنابراین به پژوهشگران این حوزه پیشنهاد می‌شود تا مطالعات گسترده‌ای را برای ارتقای توان امنیتی و قضایی کشور آغاز کرده و نتایج آن را اجرایی کنند.

۳- جلب و جذب هماهنگی مردمی در شناسایی و معرفی این افراد به پلیس راه‌اندازی گشت‌های انتظامی برای مقابله با اراذل و اوباش.

۴- پلیس کارکرد مختلفی دارد که مهمترین آن حفظ و نگهداری نظم است بنابراین برای پلیس شدن ویژگی‌های خاصی لازم است که باید در استخدام نیروهای پلیس مدنظر قرار گیرند همانند هوش بالا، شجاعت فیزیکی، مهارت در قضاوت عادلانه، توانمندی مدیریتی لازم و خلاقیت و نوآوری.

منابع و مآخذ

- احمدی، حبیب. (۱۳۷۷). *نظریه‌های انحراف اجتماعی*، شیراز: انتشارات زر.
- احمدی، حبیب. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: سمت.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- جبه دار، علیرضا، عبدالرضا ساویز و جواد رضایی. (۱۳۸۷). *تأثیر دفتر نظارت همگانی تهران بزرگ در اعتمادسازی بین پلیس و مردم، فصلنامه‌ی مطالعات مدیریت انتظامی*، سال سوم، شماره‌ی دوم، صص ۱۴۱-۱۵۶.
- خلفخانی، مهدی. (۱۳۸۷). *راه‌های گسترش حوزه‌ی عمومی به منظور ارتقاء سطح نظارت‌های اجتماعی*، پژوهش‌نامه‌ی علوم اجتماعی، سال دوم، شماره‌ی دوم، صص ۴۹-۶۱.
- ستوده، هدایت اله. (۱۳۸۰). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*، تهران: انتشارات آوای نور.
- سراج زاده، حسین و اشرف گیلانی. (۱۳۸۹). *بی‌سازمانی اجتماعی و ترس از جرم، فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال دهم، شماره‌ی ۳۴.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی*، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- ملک‌میان، مینا و سعید شریفیان. (۱۳۸۸). *بررسی عوامل مؤثر بر جرم زنان زندانی، فصلنامه‌ی پژوهش اجتماعی*، سال دوم، شماره‌ی پنجم.
- ممتاز، فریده. (۱۳۸۱). *انحرافات اجتماعی*، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها؛ تهران: شرکت سهامی انتشار.
- Adams, R.E. (1992). Is happiness a home in the suburbs? The influence of urban versus suburban neighborhoods on psychological health. *Journal of Community Psychology*, Vol. 20, pp. 353-371.
- Becker, H. S. (1960). Notes on the Concept of Commitment. *American Journal of Sociology*, No. 66, pp.32-42.
- Bersani, Carl A. and Huey T. Chen (1988). "Sociological perspective in family violence." in V.B.Van Hasselt (Ed.). *Handbook of Family Violence*. pp. 57-86, New York: Plenum Press.
- Carneiro, F.G., Loureiro, P.R.A., Sachside, A., (2005). Crime and social interactions: a developing country case study. *Journal of Socio-*

- Economics*, Vol. 4, pp. 311–318.
- Chambers, R. (1983). **Rural development-putting the last first**, Longman, London.
 - Davis, E.E., Fine-Davis, M., (1981). Predictors of satisfaction with housing and neighborhood: a nationwide study in the Republic of Ireland. *Social Indicators Research*, Vol. 9, pp. 477–494.
 - Fowler, A. (1992). Distant obligations: Speculation on NGO Funding and the global mark, *Review of African Political Economy*, No, 55.
 - Funk, P., (2005). Government action, social norms, and criminal behavior. *Journal of Institutional and Theoretical Economics*, Vol. 161, pp. 522–535.
 - Hipp, J. R. (2010), Micro-structure in micro-neighborhoods: A new social distance measure, and its effect on individual and aggregated perceptions of crime and disorder, *Journal of Social Networks*, Vol. 32, pp. 148–159.
 - Jarchow, Amy Lynn. (2004). *Analyzing attitudes toward violence against women*. PhD Thesis. United States: Idaho State University.
 - Lockwood, B.; Groff, E.B.; Rengert, G.; Grunwald, H.E. (2014). The relationship between social distance and treatment attrition for juvenile offenders, *The Journal of Urban Affairs*, Vol. 37, No. 4, 462–477
 - Resko, Stella M. (2007). **Intimate partner violence against women: Exploring intersections of race, class and gender**. PhD Thesis. United States: The Ohio state university.
 - Wilson, J.Q., (2003). **Broken windows**. *Atlantic Monthly* 249, 29–38.
 - Yamamura, E. (2009). Formal and informal deterrents of crime in Japan: Roles of police and social capital revisited, *The Journal of Socio-Economics*, Vol. 38, pp. 611–621.

